

## اختلاف نظر و شیوه‌های خردمندانه گفت‌وگو

اشاره

در این مقاله، ابتدا عوامل اختلاف نظر فقیهان و موضع‌گیری عملی دولت اسلامی در برابر آن مطرح و سپس فراخوانی اسلام به گفت‌وگو یادآوری شده است. روشن کردن محل نزاع و شفاف کردن نقاط واقعی مورد اختلاف، آغاز کردن از اصول و مبانی مورد اتفاق، احتراز از ایجاد هراس و وحشت، توجه به اثر عملی مباحثه و گفت‌وگو، موضوعاتی‌اند که در این مقاله بر روی آنها تکیه و تأکید می‌شود. همچنین طرح یک عرصه تخصصی و نمونه عینی - یعنی قلمرو اجتهاد و برداشتهای فقهی که در سنت عالمان اسلامی ریشه دارد - برای راهگشایی در گفت‌وگوی تمدن‌ها مدنظر است.

پیش از آنکه از انگیزه‌ها و عوامل اختلافات فقهی بحث کنیم، شایسته است حقیقت مهمی را یادآور شویم؛ آن حقیقت این است که: «اسلام، دین فطرت است.» بدین معنی که دینی واقع‌بین است که نه با خیال، بلکه با مسائل، صرفاً واقع‌بینانه برخورد می‌کند؛ چه در زمینه کل نظام هستی، چه در قلمرو تاریخ انسانی و چه در زمینه فطرت انسانی، همین فطرت، یگانه راز تشخیص انسان از دیگر آفریده‌هاست. از شگفتیهای فطرت، هماهنگی طبیعی و تکوینی میان یافته‌های اندیشه، گرایشهای عاطفی و شیوه عملی در انسان است. از جمله شگفتیهای فطرت، تنوعی است که در پژوهش پدیده‌ها و شناخت آنها و تطبیق بدیهیات عقلی آنها به چشم می‌خورد و چه بسا اختلاف‌نظرها و وجود دیدگاههای گوناگون و داوریهایی مختلف در تحلیل یک قضیه توسط افراد مختلف، نیز از عجایب فطرت آدمی باشد.

ما بیش از آنکه در صدد تحلیل روان‌شناسانه این امر باشیم، بر آنیم که بگوییم اسلام به مقتضای حقیقت و جوهر خود معتقد است که عقیده آدمی باید براساس برهان منطقی شکل بگیرد؛ «فل هاتوا برهانکم» ممکن نیست کسی را بتوان بر داشتن عقیده‌ای اجبار کرد، فقط از راه استدلال و برهان است که می‌توان به «عقیده» رسید. همچنین اسلام به مقتضای ساختار و جوهر خود، انسان را مجاز دانسته است که در فهم نصوص قرآنی و نبوی و استنباط آنها کوشش کند و در صدد تطبیق مفاهیم آنها با مصادیق واقعی برآید و به استنباط دیدگاهها و مواضع کلی و جزئی اسلام نسبت به روشهای رفتار انسانی بپردازد و حتی موضع اسلام را در برابر هستی و حیات و انسان کشف کند و موضع‌گیریهای گوناگون اجتماعی را که تا کنون طرح شده یا در روند تمدن بشری مطرح خواهد گردید، استنباط کند.

اما اختلافاتی که قرآن کریم از آنها نهی فرموده و بشدت مورد نکوهش قرار داده است، چنانکه واضح است، اختلافات در موضع‌گیری کلی نسبت به مسائل سرنوشت‌ساز امت واحده اسلامی است، زیرا «حبل‌الله» که فرمان یافته‌ایم به آن چنگ بزنیم، خط کلی متیقن اسلام است و آنچه مصونیت و عصمت این امت را رقم می‌زند و ویژگی بزرگ آن است، «قرآن کریم و سنت شریف نبوی» است.

پس همه اختلافات و برداشتهای گوناگون در چارچوب تمسک به قرآن و سنت باقی می‌ماند و در این هنگام، در موضع‌گیری کلی به رغم اختلافات، گرایشها در چارچوب واحدی سامان می‌یابد و به موضع لی واحدی، تبدیل می‌شود.

درک و دریافت این حقیقت، ضروری است و واکنشی است بر ضد آنان که برای تحقق وحدت اسلامی، به هضم شدن مکاتب فقهی در یکدیگر فرا می‌خوانند و تصور می‌کنند شرط رسیدن به وحدت اسلامی، دست شستن از اختلاف‌نظرهای فقهی است.

اسباب و انگیزه‌های اختلافات فقهی

شناخت انگیزه‌های اختلافات فقهی، برای تحقق تقریب میان مذاهب اسلامی، امری بسیار سودمند، و برای این بحث ما ضروری است. پس باید ببینیم این اسباب و انگیزه‌ها چیست.

پیشنویس دستور کار کمیسیون سازمان کنفرانس «تقریب میان مذاهب اسلامی» که در کشور مغرب تشکیل شده بود، علل و انگیزه‌های اختلاف را در چهار مورد خلاصه کرده است که عبارتند از:

الف. اختلاف در دلالت ثابت نص.

ب. اختلاف در درستی و صحت نصی که در مورد حکم به ما رسیده است.

ج. اختلاف اجتهاد در ترجیح بعضی از ادله بر بعض دیگر به‌هنگام تعارض و اصطکاک.

د. اختلاف اجتهاد در مورد مسئله‌ای که نص صریحی برای آن وجود ندارد. (1)

این‌رشد در مقدمه کتاب خود - بادیة‌المجتهد و نهایة‌المقصد - علل اختلاف نظر مجتهدان را در شش امر منحصر دانسته است:

«اول: اختلاف از ناحیه الفاظ

محمدعلی تسخیری